

ایدئولوژی متعالیه

نگاهی به همایش «سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه»

رحمان رضایی

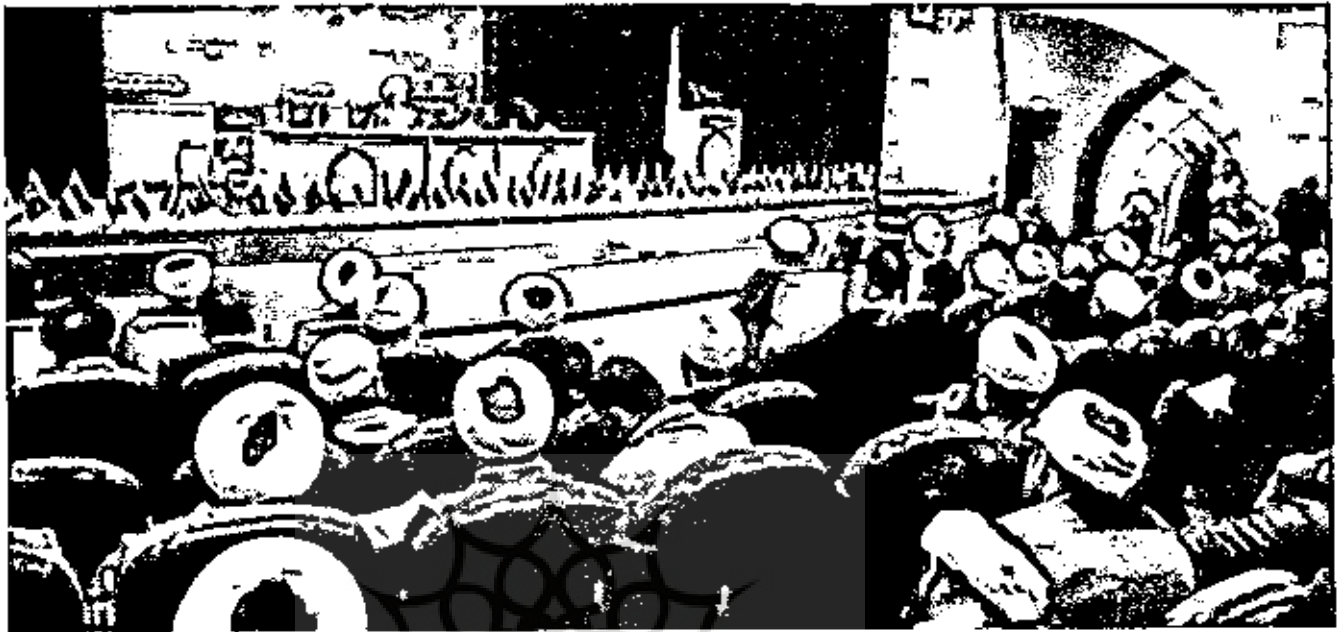
«حکمت متعالیه»، نام منظومه فلسفی به جای مانده از صدرالمتألهین شیرازی است که در مقام امتزاج آکنتب مشاء و اشراق فهم می شود. حرکت چوهری و اصالت وجود شاخصه مهم فکر صدرایی است. این حکمت که پرداختن جدی به امور مجرد و انتزاعی و نیز «حکمت نظری» به معنای یونانی کلمه دارد هیچ ورود مستقیمی به سیاست و «حکمت عملی» ندارد و ملاصدرا هیچ گاه در صدد تدوین فلسفه سیاسی بر نیامد. اما همایش «سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه» را باید کوششی در جهت کشیدن دامن صدرا به «سیاست» دانست که از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در قم و در محل مرکز همایش های دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم برگزار شد. پیگیری پروژه سیاسی برای ملاصدرا، فلسفی از طرف پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در راستای بومی سازی علوم سیاسی تحلیل می شود. از دیگر اهداف برگزاری این همایش هم می توان به بهره گیری از فلسفه اسلامی برای فر بسازی فلسفه سیاسی اشاره داشت که این امر در کوشش جهت تبیین فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی متجلی می شود که توسط بعضی محققان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه در این همایش در قم پیگیری شد.

که در ارتباط با موجود حقیقی بحث می کند حکمت نظری است حکمت نظری به بودن نبود مساله می پردازد. وی که از حامیان تفکر صدرایی شناخته می شود و تنها فقیهی است که «ولایت فقیه» را در «کلام» و نه در «فقه» تبیین می کند با اشاره به جمله معروف مدرس درباره سیاست و دیانت دست به تعریف حکمت متعالیه زده مدرس سیاست را در مساله نبوت می داند و حکمت متعالیه نیز به دلیل اینکه زیر نظر حکمت نظری است گفته است که انسان باید ۴ مقوله دنیا بدیدشت قیامت و آخرت را خودش بسازد و خداوند هم راه را نشان داده است. سیاستی که بتواند این ۴ موضوع را مدیریت کند حکمت متعالیه است. وی اضافه کرد: «در این جلسات نیاشناده مدعیان دروغینی در کشور به وجود خواهند آمد و طرفداران زیادی هم پیدا خواهند کرد». آیتلله جوادی آملی از پیروان حکمت متعالیه و مکتب ملاصدرا نیز زلمه معاصر محسوب می شود. وی حمایت معنوی و نظارت کلی در روند برگزاری همایش متعالیه داشته و نیز از شرحان صدرالمتألهین در قم است. وی که به جنبه های عرفانی و کلامی بیشتر توجه دارد تا جنبه های فقهی، توان فلسفه اسلامی و به خصوص حکمت متعالیه را بیش از آن چیزی می داند که تاکنون محقق شده است. رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، دومین سخنران همایش سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه بود که خواستار تدوین «فلسفه سیاسی» در حوزه علمیه قم شد. حجت الاسلام ربیعی گفته هم باید در این فرصتی که به برکت انقلاب اسلامی ایران ایجاد شده است میبایست سیاست راه درستی برای مردم برگزینیم. «ریبلی با بیان اینکه گاهی اوقات مبنای نظری و معرفتی اسلام از سوی دیگران به ما تحمیل شده است. تصریح کرد: «متفلسفه ما حتی تقدیر نظری بهار را هم انجام ندادیم امروزه در حوزه علمیه قم گاهی اوقات برای اوقات فلسفه نظری سیاسی اسلام باید جلسات متعددی برای فضلا و طلاب برگزار کنیم و در آن جلسات بعضی طلاب به مخالفت و نقد این نظریه معاصر می پردازند».

○ زوال اندیشه سیاسی: اگر بخواهیم به تفصیل شرحی از چگونگی شکل گیری ایده این همایش بیاوریم چه می توانستیم است اگر سید جواد طباطبایی را به شکل غیر مستقیم یکی از چهره های تاثیر گذار در شکل گیری این همایش قلمداد نکنیم، هر چند باید بر غیر مستقیم بودن این تاثیر تاکید کنیم نجف لک زایی رئیس پژوهشگاه علوم و فلسفه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۸۲ پروژهای راه نیم «اندیشه سیاسی صدرالمتألهین» تصویب و اجرایی کند او در مصاحبه ای در این باره می گوید: «این پروژه باز تبلیغ های متفاوتی گذاشته عمدتاً معتقد بودند صدرالمتألهین فیلسوفی است که هیچ گاه به سیاست توجه نکرده و بعضی ها هم از این دقت در اندیشه ملاصدرا استقبال کردند. فصل بحث آن پروژه به کتاب «زوال اندیشه سیاسی در ایران» اثر آقای سید جواد طباطبایی مربوط می شد. وی در کتاب خود آورده بود که ملاصدرا با تأمل در امر معاد از تأمل در امر معاش به کلی غافل شد و با فلسفه متمایز در واقع فلسفه سیاسی هوایران به کنار گذاشته شد. من دیدگاه ایشان و افراد دیگر را در آن کتاب نقد کردم. تا اینکه در سال نولید علم و جنبش نرم افزاری تأکید شد که ما باید در حوزه های دانشی مختلف تولید علم کرده و مباحث اسلامی و بومی خود را در این امر مطرح کنیم. ما با توجه به رسالت پژوهشگاه علوم و اندیشه سیاسی در گروه فلسفه سیاسی پژوهشگاه این محشر را مطرح کردیم که وظیفه ما است که دانشی به اسم فلسفه سیاسی اسلام را به صورت جدی مطرح و پیگیری کنیم». و به این ترتیب ایده همایش در آن سال شکل گرفته و در زمستان سال ۱۳۸۷ همایش سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه برگزار می شود. ○ عبور از صدرالمتألهین: مراسم افتتاحیه با سخنران مثاله معاصر «عبدالله جوادی آملی آغاز شد. او بحث گذار از ملاصدرا را مطرح کرد و با توجه به اینکه حکمت متعالیه را منحصر به آثار به جای فلسفه صدرالمتألهین نمی دانند با یادآوری تقسیم حکمت به نظری و عملی در فلسفه افرد از علمی



تجدیدکنندگی همزمان با تحصیل در حوزه علمیه از سال ۱۳۶۰ تا کنون جوادی خدمت است تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته علوم سیاسی در مناطق کارشناسی کارشناسی ارشد و دکتری به پایان برساند و اکنون رئیس پژوهشگاه علوم و فلسفه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی است.



○ درمان بیماری های سیاسی جهان نصف لکنزیسی - جبر همایش ویرایی پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی - که مدیر گروه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم هم هست معتقد بود که ملاصدرا عبرتی نظیر «حکمت سیاسی متعالیه» را در آثار خود به کثر نبرده اما می توان از دستگاه حکمت متعالیه او حکمت سیاسی متعالیه استخراج کرد. لکنزایی، فارغ از این بحث که صدرا و شارحان و مفسران حکمت متعالیه به مباحث سیاسی پرداخته اند یا خیر، دستگاه حکمت متعالیه را برای ورود به مباحث سیاسی و اجتماعی دارای ظرفیت دقت به اعتقاد و جرای بحث در باره حکمت سیاسی متعالیه باید پرسش های فلسفی فلسفه سیاسی در باره انسان، جبر، قدرت آزادی، عدالت مشروعیت و دیگر مفاهیم کلیدی، استخراج و به حکمت متعالیه برای پاسخگویی عرضه شود تا توانایی این مکتب برای پاسخگویی در این زمینه مشخص شود. پس به همین دلیل نباید پرسش های حوزه فلسفه سیاسی با توجه به مبانی و لواکن حکمت متعالیه مطرح شده و ظرفیت و توانایی حکمت متعالیه منجیده شود. لکنزایی مهم ترین نکته را در بحث از وجود سیاسی حکمت متعالیه حرکت جوهری و اسالمت وجود در این فلسفه می داند با شرح لکنزایی از حرکت جوهری در حکمت متعالیه بحث نا محدودی روشن می شود زیرا از حرکت جوهری نوعا حرکت جوهری طبیعی و قهری اراده می شود در حالی که در حکمت متعالیه حرکت جوهری بر انواع است که عبارتند از: حرکت جوهری ففیری و حرکت جوهری ارادی - به زعم او حرکت جوهری غیر ارادی بر کل هستی حاکم است اما در حکمت متعالیه در این است که می خواهد از حرکت جوهری طبیعی و غیر ارادی به حرکت جوهری ارادی میل کند از این رو حرکت می تواند «شدن» خاصی باشد بر این اساس، حرکت جوهری ارادی به ما اجازه می دهد که بحث را به عرصه سیاست بکشانیم یعنی در فلسفه سیاسی از مبنای فلسفه متعالیه (حرکت جوهری) استفاده

کنیم. بحث دیگر لکنزایی در مان بیماری «سیاست جهانی» بود که در این باره گفت «سیاست جهان بیمار است و مسائلی که در غرب لبنان، عراق، افغانستان و دیگر نقاط جهان اتفاق می افتد گونه این مساله است. سیاست حکمت متعالیه قصد دارد با نگاهی جهانی و ابدی جهانی، سیاست بیمار جهان را درمان کند. ایستادگی در برابر غرب به از نگاه دبیر همایش ویزگی بارز ملاصدرا و حکمت متعالیه است.

○ پیشتهاد برای روش روش شناسی حکمت متعالیه، موضوع مقاله حجت الاسلام دکتر پارسائیا - عضو هیات علمی دانشگاه باقرالعلوم قم - در این همایش بود. بحث او به طور کل روش شناسی بنیادین حکمت سیاسی متعالیه بود که آن را به شکل دقیق تر چنین شرح داد: منظور از روش شناسی بنیادین بر داختن به آن نظریه های، مبانی ای است که مبتنی بر حکمت متعالیه هستند. می خواهیم به چگونگی تولید و ویژگی های آن بپردازیم و ببینیم که چگونه می توان آنها را دست بندی کرد. در پارسائیا در ادامه به عناوینی اشاره کرد که در موضوع بحث او حائز اهمیت هستند: روش تبیینی، کار کردی، خرد کلان، تضاد وفاق، هنجاری و... به زعم او هر کدام از این روش ها سبک خاصی از نظریه را تولید می کنند این روش ها می توانند در طول هم باشند. پارسائیا گفت: هر روش شناسی بنیادین، یک بحث مهم در حوزه علوم اجتماعی، سیاسی و... است باید دید آن روش ها بر اساس چه مبانی ای پیچید آمده اند و حکمت متعالیه چه روشی را برای تولید نظریه ایجاد می کند. تقسیم می که تولید اینها را به لحاظ نظری تعریف کند یا تبیینی است یا توصیفی یا انتقادی و هنجاری در روش های تبیینی، تبیین ها پوزیتویستی است. وقتی دانش پوزیتویستی شده فاقد ارزش شده و علم نمی تواند از هنجار آن سخن بگوید و علم به صورت مشاهده پذیر مشخص می شود.



مجتهد غروی با پس از انعام و کتب به نام فقه و سیاست در سال ۱۳۵۷ و راهی حوزه علمیه قم شد و در سال ۱۳۵۸ شروع به تحصیل علوم حوزوی کرد و در دوس مقامات و سطوح را به پایان رسانید و در دوس خارج فقه و اصول از محضر استادانی چون وحید خراسانی، فضل انکوتالی، مصباح زدی، شیخ چوکه تبریزی، حکام شیرازی و جوادی آملی بهره برد و وی اکنون عضویت در شورای سردبیری مجله علمی - تخصصی معرفت را با مدیریت آیت الله مصباح زدی بر عهده دارد.

○ دیانت و سیاست ملاصدرا پس از حجت الاسلام پارسائیه آیت الله دکتر بهشتی در مقاله خود به مبانی سیاسی حکمت متعالیه اشاره کرده بهشتی که «چاپخانه سیاست و شریعت در حکمت متعالیه» نامی مقلدان مورد بررسی قرار داده بود با اذعان به اینکه از نظر صدر المشایخین، سیاست به منزله عید و شریعت به منزله مویلاست و بنا بر این سیاست باید در برابر شریعت تابع محض و تسلیم صرف باشد گفتند سیاست با تعمیم از شریعت مشروعیت می یابد و تامل می شود و اگر شریعت تابع سیاست باشد نه تنها سیاست مشروعیت ندارد که تخریب می شود. این سخن بهشتی نفعه مقابل نظریاتی بود که ساخت دین و سیاست را از یکدیگر جدا دانسته و سعی در تفکیک الهیات از سیاست به مثابه حکمت عملی در اندام الهیات و اتصال سیاست به صفت متعالیه و ارجاع آن به حکمت متعالیه صدرالدین شیرازی به اینچنین ختم نشد.

○ سیاست در ماهیت حکمت - انقلاب اسلامی متناظر از حکمت متعالیه سخن و طرح جدیدی به دنیا عرضه کرد. امام خمینی به می کوشد تا فلسفه سیاسی متعالیه را از بحث نظری صرف خارج کرده و وارد عرصه عمل بکند. این یکی از جملات آغازین سخنرانی علیرضا صدرا - استاد پهلوی دانشگاه تهران - است که هر همایش به موضوع «سیر تحولی حکمت سیاسی متعالیه» پرداخت و بحث خود در نسبت با اندیشه های امام خمینی بود. و این مطرح کرد به اعتقاد او: «حکمت متعالیه همیشه ۲ عنصر عقلانیت و وحیانیت و علم را با هم ترکیب می کند یعنی بنیادها را با بنیان ها و ابزار و تکنیک ها ترکیب می کند. انقلاب اسلامی متناظر از این حکمت سخن و طرح جدیدی به دنیا عرضه کرد امام خمینی ۶۶ می کوشد تا فلسفه سیاسی متعالیه را از بحث نظری صرف خارج کرده و وارد عرصه عمل بکند».

○ پیوند عقل و فقه - محس غروی با از متابش گران موضوع همایش بود زیرا آن را در راسبنای مقدمات نزدیکی عقل، فقه، دیانت و سیاست می داند او که برای سخنرانی در زمینه «مبنای وجود و حرکت جوهری در اندیشه سیاسی صدرا» در همایش شرکت کرده بود با کمک گرفتن از نقاشان آیت الله جوادی آملی به ملاحظه پرداخت و بحث خود را چنین آغاز کرد «همان طور که انسان یک حقیقت عینی است و یک عقل و حکمت در وی باید انسان را سیاست کند جامعه هم حقیقتی است که باید توسط خلیفه ای سیاست شود» خلیفه ای در وجود تکوینی جامعه باید عهدنامه داران را جملعه باشد. غروی با اشاره به اینکه خلافت و ولایت یک امر اعتباری نیست گفتند چه این دلیل که ولایت و زمانت در اندیشه سیاسی ملاصدرا منتهی از حرکت و جودی در نظام هستی شناسی صدرایی است و ولایت و سیاست صدرایی در حکمت متعالیه در قضای اعتباری ایداقبل طرح نیست. وی افزود: هر گدیشه سیاسی ملاصدرا ولایت منتهی به جوی تغییر و ان است باید یک حرکت جوهری در ذات ولایت اتفاق بیفتد تا به مقام ولایت نایل آید. او معتقد است «در حال حاضر محور اصلی اندیشه سیاسی ما ولایت فقیه است یعنی اول ولایت خدا بعد ولایت پیامبر، سپس ولایت امام معصوم و در عصر غیبت، ولایت فقیه. در حقیقت نظام فکری - سیاسی ما برپایه نظمی فلسفی است که مولفه های اصلی آن

عبارت است از: اصالت وجود، مساله تشکیک و حرکت جوهری. غروی با در سخنانی که در این همایش داشت، پیش از گذشته به آیت الله جوادی آملی و میبانش وی نزدیک شد و از آن سمت از مبانی فقهی آیت الله مصباح زدی فاصله گرفت. در واقع وی از آن رو که ولایت فقیهان را در سیر فلسفه و نه در زمین فقه مطرح کرد و آن را به حرکت جوهری و انسان کامل صدرا پیوند زد، کاملاً مبنای متفاوتی را بر این مساله ولایت مطرح کرد.

○ مگر فلسفه سیاسی غیر از این است؟ - مرتضی جوادی آملی فرزند آیت الله جوادی آملی - نیز یکی دیگر از سخنرانان بود که با تحکم امکان استخراج فلسفه سیاسی از حکمت متعالیه را مورد تأکید قرار داد. او معتقد است که هر گاه دیدگاه حکمت متعالیه عن سیاست از علوم الهی به حساب می آید زیرا در حوزه فعل واجب است و در حوزه الهیات به معنی الاخص مطرح می شود. نه احکام واجب از این منظر انسان مورد سیاست است و نه مینا و مبدع آن انسان تنها در حد علت قلبی برای اجرای سیاست الهی است و او باید باین سیاست الهی به جایگاه مقام خلافت الهی و مقام ولایت و ایشال آن برسد. این نگرش جوادی آملی بلی است برای ورود به بحث الهی بودن سیاست در حکمت متعالیه زیرا در فلسفه و حکمت متعالیه ملاصدرا از زمان امر سیاست به امر الهی سیر شده و باید آن را یک علم الهی بدانیم. بدین ترتیب در سیاست الهی انسان به هوشی اختیاری و آزادی دست می یابد با توجه به اینکه سیاست الهی فاقد اقتدار گزایی و انحصار گزایی است. آملی معنای حکمت متعالیه را چنان بسط داد که شامل نگرش متعالی به همه امور مربوط به هستی از جمله انسان شد. او اشاره به این نکته که فلسفه عهد معاصر بخشی از مباحث سیاست است و بخش های دیگر در اخلاق، فقه، کلام و حقوق مورد توجه و بحث قرار می گیرد، با طرح پرسش هایی بحث خود را برای الهیات امکان استخراج فلسفه سیاسی از حکمت متعالیه می گرفته به زعم او «چگونه می توان ادعا کرد که در حکمت متعالیه صدرایی فلسفه سیاسی وجود ندارد» در حالی که ملاصدرا در مشهد پنجم از کتاب شریف «الشواهد الربوبیه» در چند اشراق قدم به قدم پیش آمده و اموری همچون نبوت، ولایت، امامت و شریعت را اثبات کرده و وظائف عباد را در مقابل شریعت بیان کرده است. اگر اینها را نمی توانیم فلسفه سیاسی بنامیم پس فلسفه سیاسی چیست؟ اگر اینها را کلان نیست پس چه چیزی از کلان فلسفه سیاست است؟ اگر حکمت متعالیه نتواند فلسفه سیاسی را مطرح کند پس در کجا می توان فلسفه سیاسی را جستجو کرد؟ با دقت در ظواهر و تصریحات کلام ملاصدرا می توان دریافت که این حکمت متعالیه در مرحله استعداد و تمامندی بلکه در مرحله فعلیت نیز به امر سیاست تکرر شده است».

○ نقد شارحان و مفسران - حریف لکن زایی - عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم و معارف سیاسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی - یکی دیگر از مدافعان بحث اصلی همایش بود. او در آغاز از اینکه سیاست از تمامی زوایای حکمت متعالیه به مرستی مورد توجه و تامل واقع نشده است از تامل کرد چون به اعتقاد او «بعضی اظهار نظر ها با توجه به روش و منظر اتخاذ شده

سیاست متعالیه از منظر غایبان همایش

آیا ممکن است؟

تلاش برای ده ست یافتن به فلسفه سیاسی تازه‌ای که آپشخوری جز میانی رایج اندیشه سیاسی اسلامی و ایرانی داشته باشند تنها با برگزاری چند همایش و سمینار و گردهمایی‌ها سرگشته در این میان، اگر اندیشمندان داعیه بدینی در زمینه‌های خاصی داشته باشند با حضور آرای‌های فراوانی برای اثبات دیدگاه خود رویه‌رو خواهند بود البته پویایی فرایند تفکر همواره در گرو موع‌سناری و برگزشتن از موانع است.

از سوی دیگر، نفس برگزاری چنین همایش‌هایی طرح پرسش و ایجاد فضای برای بحث و محک‌موضوعات مناقشه‌برانگیز است اما در میان سخنرانان همایش سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه، سخنرانی یافت نمی‌شد که فاطمه با موضوع همایش مخالف باشد و دعوی تازه‌ای بر خلاف دیگران قلمه کند ما در این اقتراح تلاش کردیم تا ضمن انعکاس چکیده‌ای از اظهارات سخنرانان همایش که در بخش پیش خوانندیده دیدگاه‌های دیگری را هم در قالب اقتراح به دیگر صاحب‌نظران این حوزه احتساب کنیم.

رجعت به ریشه‌ها

موسی زحیفی

از حکمت متعالیه می‌توان سیاست متعالیه بیرون آورد در همایش «سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه» همین بحث مطرح شده است تاکنون کتاب‌هایی هم در این زمینه منتشر شده‌اند که مستقیماً به همین پرسش اشاره دارند که «آیا می‌توان از حکمت متعالیه به سیاست متعالیه رسید؟» آیت‌الله املسی در آغاز همان همایش از برخی رویاها به این موضوع پرداختند ایشان گفتند که ما فقه جواهری داریم که در واقع ماده خاصی شد برای قانون اساسی جمهوری اسلامی این منبع



بسیار مهمی در تنظیم قانون است یعنی برای تبدیل فقه به قانون، بسیار مفید واقع شد. آیت‌الله املسی با ذکر این نمونه قصد داشتند که ظرفیت‌های بحث و نشان دهند به زعم ایشان، حکمت متعالی ظرفیت و مساع فراوانی برای استخراج سیاست متعالی دارد که می‌تواند مفید باشد اما به مادگی به دست نمی‌آید استخراج سیاست متعالیه از حکمت متعالیه، نیازمند کار تخصصی و تحقیق فراوان است تا بتوان میان این دو بحث نسبت درستی برقرار کرد در غربی‌ها هم با فلسفه خود همین کار را کردند آنها هم معتقد بودند که حتماً نیازی نیست که یک فیلسوف فلسفه سیاسی داشته باشد تا بتوان از او بحث کرد بلکه اندیشمندان غربی، برخی اصول را از آنها گرفتند و

نویسندگان به فقدان کدبشه و فلسفه سیاسی در اندر صدر و حکمت متعالیه حکم می‌کنند اما از سوی دیگر به پیشتر اظهار نظرها در باره وجود سیاسی حکمت متعالیه فاقد کمترین استناد و مراجعه به آثار صغری شیرازی و در نتیجه غیر قابل اعتناست. نقد دیگر او متوجه به شارحان ملاصدرا بود و در این باره گفت: چه نظر می‌رسد شارحان و مفسران حکمت متعالیه هم به دلایلی کمتر به مباحث سیاسی توجه داشته و بیشتر به شرح و بسط متن پرداخته‌اند مهم‌ترین آنکه هیچ کدام از آثار صدرالندین شیرازی هم تاکنون از منظر فلسفه سیاسی مورد تحلیل قرار نگرفته است. بر این مجموعه باید توضیقات مرسوم جامعه و نظام‌های سلطنتی بر اصحاب دانش و معرفت‌پرا هم افزود که در اثر آن، مجال برای طرح مباحث فلسفه سیاسی به وجود نیامده است در نهایت اظهار نظر درباره فلسفه سیاسی متعالیه همراه با حب و بغض و نفرت و شیفته‌گی بوده است.

و استنباط احکام در اختتامیه همایش سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه نیز حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مپانی با بیان اینکه حکمت متعالیه نقش چندجمله‌ای در فقه سیاسی ایفا می‌کند، خاطر نشان کرد: «بستر سازی یکی از نقش‌هایی است که حکمت متعالیه برای فقه سیاسی ایفا می‌کند و اگر این بستر توسط حکمت متعالیه ایجاد نشود، کیان فقه سیاسی و استنباط احکام شکل نمی‌گیرد». وی تصریح کرد: «حکمت متعالیه به فهم عمیق و ژرف‌اندیش مسائل توسط فقیه سیاسی کمک فراوانی می‌کند» مبنی‌بالتلوه به اینکه حکمت متعالیه یک نقش منظومه‌ای نسبت به مسائل ایفا می‌کند افزود: «جزای تشکیل دهنده مسائل در حکمت متعالیه نسبت به هم نقش تکمیلی دارند و از یکدیگر جدا نیستند».

تکمله‌ای بر همایش همسازان تفکیک حکمت متعالیه از فلسفه ملاصدرا عجیب‌ترین نکته همایش بوده به عزت دیگر شرکت کنندگان در این همایش، هر گاه می‌خواستند صدرالمتفهمین را مورد اشاره قرار دهند از حکمت صغری نام می‌بردند و هر گاه در صدد تبیین کلی این حکمت با توجه به ملاصدرا و حکیمان معاصر بودند از حکمت متعالیه نام می‌بردند و بدین ترتیب زمینه گذار از صدرا را فراهم آوردند گذاری که البته با نقدهای جدی‌ای نیز رویه‌رو است؛ چه منتقدان سیاست صغری (نظیر داوود فیروزی در دانشگاه تهران و سیدصادق حقیقت در دانشگاه مفید) مجال برای طرح آرای نقادانه خود نداشتند و تمام مقاله‌ها و سخنرانی‌ها در جهت اثبات و امکان سیاست متعالیه طرح‌ریزی شده بود به این ترتیب همایشی که از سال ۱۳۸۴ فریوژی و پیگیری شده بود بدین سان پایان پذیرفته همایشی که در صدد بود با هدف تبیین ظرفیت‌های فلسفه متعالیه برای ورود به حوزه حیات اجتماعی و سیاسی و معرفی توفسندی فلسفه اسلامی در حوزه سیاست راهکارهایی جهت پیوند زدن فلسفه ملاصدرا با آنچه امروز در حوزه اصول‌گرایی و اسلام‌گرایی جریان دارد ارائه دهد اما به نظر می‌رسد این گونه کارها پیش از آنکه به «اندیشه سیاسی» منجر شود، به «پندلوژی» بدل و ویر دهد.